



بحران‌های اقتصادی به‌عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی

عباس منتهایی^۱ | علی رنجبر کرمانی^{۲*}

چکیده

وابستگی متقابل اقتصاد جهانی سبب شده تا بحران اقتصادی در یک کشور به بحران جهانی تبدیل شود و طیف وسیعی از کشورها را به درجات متفاوت متأثر از خود سازد. تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی میان بی‌ثباتی‌های اقتصادی با بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی برقرار است، گسترش دامنه بحران اقتصادی می‌تواند امنیت ملی و بین‌المللی را در ابعاد سیاسی و اقتصادی دچار تحول نماید. مقاله حاضر با هدف بررسی ریشه‌ها، پیدایش، ابعاد، راهکارهای طرح دعوی و جبران خسارات وارده به تابعان، براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در محاکم حل و فصل اختلافات بین‌المللی سرمایه‌گذاری با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است که نتایج حاصله حاکی از آن است که افزایش دامنه تحولات جهانی و شبکه‌ای شدن جهان معاصر و تأثیر آن بر مؤسسات پولی و مالی به عنوان شاخه‌ای از اقتصاد جهانی، شرایط را برای ایجاد یک بحران بزرگ اقتصادی فراهم می‌نماید که در این خصوص کشورها می‌توانند از طریق تعامل، همکاری و تغییر ساختار در برخی از نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و غیره نقش مؤثر و پیشگیرانه‌ای را ایفا نمایند.

کلیدواژه‌ها: بحران اقتصادی، تهدید، صلح و امنیت بین‌المللی و حل و فصل اختلافات

۱. نویسنده مسئول: عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. alirezamortezazadeh32@gmail.com

مقدمه

رونق، رکود و بحران جز لاینفک نظام سرمایه داری است که در طول تاریخ به اشکال مختلف بروز و ظهور نموده و در نهایت، تکامل سرمایه داری را در پی داشته است. چرخه‌های مختلف رونق و رکود که در شرایطی به بحران تبدیل می‌شوند، روند تکامل نظام سرمایه داری در چند قرن اخیر را شکل داده‌اند. بحران مالی در سال ۲۰۰۸ که در آمریکا به دلیل اعطای وام‌های آسان و بی‌ملاحظه در بخش ساختمان و مسکن رخ داد به تدریج به یک بحران بزرگ تبدیل شد و بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را در آستانه ورشکستگی قرار داد (واعظی، محمود، ۱۳۸۸). بحران نظام مالی و پولی بین‌المللی زیر مجموعه‌ای از بحران اقتصاد جهانی است و از همین رو، بحران مالی به سرعت به بحران اقتصادی مبدل می‌شود. رویکرد سیستمی در بحران جهانی اقتصاد موجب می‌شود که امواج این بحران دیگر لایه‌های اقتصادی چون تجارت، مالیه، سرمایه‌گذاری، بورس، بانکداری، بیمه، بازار کالا، کار و خدمات و غیره را در برگیرد (همان؛ ص ۷).

اقدامات اضطراری ملی دولت‌های بحران زده در مواجهه با بحران اقتصادی جهانی از سال ۲۰۰۸ میلادی در سراسر جهان به صورت فراگیر آغاز شد. در نتیجه این اقدامات نه تنها کشورهای در حال توسعه سرمایه پذیر بلکه کشورهای صنعتی و توسعه یافته نیز طی سازوکارهایی، اقدام به انعقاد معاهده سرمایه‌گذاری و بعضاً خود سرانه و تبعیض آمیز بین خود نمودند که با اعتراضات فراوان سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان مواجه شدند. به دلیل درگیر بودن دولت‌ها با بحران اقتصادی، رسیدگی به منافع سرمایه‌گذاران بین‌المللی در اولویت کاری قرار نگرفت. در فقدان چنین امکانی، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در مقایسه با سازوکارهای حل و فصل اختلافات سازمان‌های تجاری اهمیت و کارایی خود را بیش از پیش نمایان کرد که پیش‌بینی می‌شود همچنان روند صعودی خود را حفظ نماید (جلالی، محمود، ۱۳۸۳).

به طور کلی امروزه درهم تنیدگی و وابستگی اقتصاد جهانی سبب شده تا بحران نظام مالی به عنوان زیر شاخه‌ای از بحران اقتصادی در کشورها به خصوص کشورهای بزرگ اقتصادی به سرعت به یک بحران اقتصادی جهانی تبدیل شود و طیف وسیعی از کشورهای جهان را به درجات متفاوت متأثر از خود نماید. از آنجا که ارتباط مستقیمی بین بی‌ثباتی‌های اقتصادی با بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی در سطوح ملی، و بین‌المللی برقرار است، گسترش دامنه بحران اقتصادی می‌تواند امنیت و صلح بین‌المللی جهانی را در ابعاد سیاسی و اقتصادی در معرض تهدید قرار دهد (بلورفروشان، محسن، ۱۳۸۷). از اینرو در این مقاله به بررسی بحران‌های اقتصادی بعنوان

تهدید صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته می‌شود. بدین منظور پس از واکاوی مفاهیم نظری مرتبط با موضوع، به توضیح اثرپذیری صلح و امنیت بین‌الملل از بحران‌های اقتصادی، بررسی چگونگی شکل‌گیری بحران‌ها، تشریح اقدامات اضطراری منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها، شناخت حقوق سرمایه‌گذاران و قواعد ضمانت آنها بر مبنای حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در شرایط بحرانی و جمع‌بندی مطالب واریه پیشنهادها پرداخته شده است.

مفاهیم و مبانی نظری

الف) بحران‌های اقتصادی

بحران اقتصادی عبارتست از پیدا شدن اضافه تولید یعنی پرشدن بازار از کالاهایی که تقاضا برای آنها نیست. به بیان دیگر موقعیتی که در آن اقتصاد یک کشور به عللی مانند یک بحران مالی دچار رکود می‌شود، کشوری که دچار بحران اقتصادی است به احتمال زیاد کاهش GDP، کمبود نقدینگی، تورم یا کاهش قیمت‌ها را تجربه می‌کند (سیف، احمدی، ۱۳۸۰). لذا این وضعیت می‌تواند بر روی یکی از سه رکن اقتصادی یعنی رشد اقتصادی، تورم و یا اشتغال شکل گیرد. این بحران بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی، به لحاظ کوتاه مدت یا بلند مدت می‌تواند رفاه اقتصادی کل افراد جامعه را کاهش داده و به شدت بر روی نرخ ارز تاثیر گذار باشد (محمودی، سید محمد؛ ۱۳۸۲). که در اینجا می‌توان به بحران‌های ۱۹۲۹ موسوم به وال استریت، شرق آسیا، ۲۰۰۷-۲۰۰۸ آمریکا و یونان اشاره نمود.

ب) صلح و جایگاه آن در نظام بین‌الملل

واژه صلح در لغت به معنی مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت و دشمنی میان مردم بوده و با جنگ و جدال در تضاد است. از نظر روابط بین‌الملل مقصود از صلح، احتراز از اختلاف و برخورد شدید با سایر کشورها است. به عبارت دیگر صلح ثبات نسبی نظامی و فقدان اختلاف و بی‌نظمی در سیستم امنیت بین‌الملل است. از منظر حقوق بین‌الملل نیز صلح با یک سند تعهد آور و ملتزم کننده کشورها به رعایت یک سلسله ترتیبات در روابط بین‌الملل حاصل می‌شود (گلدستین، ۱۹۹۲). صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد، در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت. لکن ملل متحد، مفهوم صلح را وسعت داده و آن را به عنوان «یک نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت» تلقی کرده است. بنابراین از این دیدگاه، صلح صرفاً فقدان جنگ نیست، بلکه انجام هر عملی که در

تعارض با عدالت باشد و می‌تواند سبب تهدید صلح و نقض آن محسوب شود. این دیدگاه پس از اتمام جنگ سرد قوام یافت و سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام داشتند: «امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی نیست، بلکه عدم ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حتی نقض حقوق بشر نیز می‌تواند تهدید علیه صلح و امنیت جهانی به حساب آید» (اشرفی، داریوش (۱۳۹۲). گلدستین ۱ عنوان نمود، صلح را باید چیزی فراتر از فقدان جنگ دانست و صرف عدم وجود جنگ، تضمین نمی‌کند که در آینده جنگی رخ ندهد. صلح مثبت صلحی است که سعی می‌شود دلایل بروز درگیری‌ها حل و فصل شوند. صلح مثبت، مجموعه عملیاتی محسوب می‌شود که معمولاً شامل حذف خشونت ساختاری است که از دلایل بروز درگیری‌ها قلمداد می‌گردد. بنابراین تعریف مضیق و منفی از صلح، غیرکافی به نظر می‌رسد و با رهیافت عدالت در تعارض است (شایگان، فریده، ۱۳۸۰). اگر صلح بطور مضیق، صرفاً به عنوان تهدید یا توسل به زور، علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت تعریف شود یا به بیان دیگر به معنی عدم وجود تهدیدی برای وضع موجود یا عدم نقض آن یعنی صلح منفی ۲ تلقی شود.

ج) امنیت و جایگاه آن در نظام بین‌الملل

به طور کلی واژه امنیت به نوعی احساس روانی اطلاق می‌شود که به خاطر مبرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر احساس می‌شود. در مفهوم کلی، امنیت به برحذر بودن از خطراتی اطلاق می‌شود که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد (اشرفی، داریوش، ۱۳۹۲). بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد تاکنون مفاهیم مختلفی از امنیت پا به عرصه وجود گذاشته که یکی از این مفاهیم شعار امنیت مشترک ۳ می‌باشد. این دیدگاه سنتی به این لحاظ مد نظر قرار گرفت که هرچه کشوری امن تر باشد این وضعیت به امنیت سایر کشورها نیز کمک خواهد کرد، بعدها با ارائه مفهوم امنیت جامع، چالش ریشه‌ای تری نسبت به مفهوم امنیت ایجاد شد (پالم، ۱۹۸۲). ۴ در ادبیات نوین، مفهوم امنیت انسانی ۱ رواج پیدا کرده که به معنی

۱- Goldstein

۲- Negative peace

۳- Common Security

۴- Palme. O. , (1982)

ایمنی از تهدیدهای جدید دنیای امروز نظیر گرسنگی، فقر، ستم دیدگی و آثار و تبعات زیان بار ناشی از شکل گیری زندگی جهان معاصر است (لونرگان، اس، ۱۹۹۹). ۲۰ سالیان متمادی مقوله و مفهوم امنیت در مواجهه با مفهوم نظامی آن درک می شد و هرگاه جایی فارغ از تنش ها و درگیری های نظامی بود، ادعای برقراری امنیت نیز مطرح می شد. این تصور سنتی از مفهوم امنیت ادامه داشت تا آنکه برنامه توسعه ملل متحد دکنترین امنیت انسانی را تدوین نمود. امنیت انسانی تحت تأثیر متغیرهای بین المللی و منطقه ای که بحران محسوب می شود همواره مورد تهدید قرار داشته و هر چه بر دامنه گسترش جهانی شدن و ابعاد آن افزوده می شود نسبت به آن دسته از کشورهایی که آسیب پذیری بیشتری دارند این تهدیدات در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تشدید خواهد شد (نوید نیا، منیژه؛ ۱۳۸۴). عنصر کلیدی مفهوم سنتی امنیت، امنیت ملی است که ناظر بر امنیت نظامی کشورها است به همین منظور، چالشی که بر این مفهوم وارد می شود این است که گاهی تأکید بر مفهوم حاکمیت، خود موجب می شود که تهدیدی عمده علیه امنیت مردم آن کشور یا سایر کشورها به شمار آید. بنابراین اگر امنیت را به صورت انسان مدارانه تری ارزیابی کنیم، توجه بیشتر به حقوق بشر خواهد بود (بوث، ک، ۱۹۹۹). ۳. بدین ترتیب مقدمه منشور ملل متحد، نیل به عدالت و شرایط مناسب زندگی برای انسان ها و تحقق اهداف مندرج در سند مؤسس سازمان ملل متحد را تحت دو زمینه اعلام می دارد: محفوظ نگاه داشتن نسل های آتی از بلای جنگ و ایمان به حقوق اساسی بشر. این دو مقدمه همان چیزی است که بستر برجسته شدن صلح و امنیت بین المللی را به عنوان مهمترین و اصلی ترین هدف سازمان ملل متحد فراهم می سازد (راجان، ک. اف، ۱۹۶۱).

اثرپذیری صلح و امنیت بین المللی از بحران های اقتصادی

در دوران پس از جنگ سرد امنیت اقتصادی در کلیه زمینه های مربوط به امنیت، اهمیتی بسیار اساسی یافته و البته تأثیر آن بر کشورهای مختلف با توجه به جایگاهی که در روند توسعه اقتصادی دارند متفاوت است. عامل اقتصادی در روابط بین الملل نقش محوری یافته و امنیت اقتصادی بخش اساسی امنیت کشورها را تشکیل می دهد و نه تنها کشورهای پیشرفته بر مسائل اقتصادی، تولید،

۱- Human security

۲- Lonergan. S. , (1999),

۳- Booth. K (1999),

علوم و فنون و بازار تاکید دارند، بلکه کشورهای در حال توسعه نیز در مواجهه با روند جهانی شدن، ناگزیر به حضور فعال در بزرگراه اقتصاد جهانی هستند و بسیاری از کشورها امنیت اقتصادی را برترین عامل و هدف در امنیت جامع خود تلقی می‌کنند (امیدوارنیا، محمدجواد؛ ۱۳۸۱).

یکی از مواردی که نشان دهنده رابطه میان وضعیت‌های اقتصادی و صلح و امنیت بین‌المللی است وجود وابستگی‌های اقتصادی و مالی بین کشورها می‌باشد. هورست تلچیک^۱ در کنفرانس مونیخ در رابطه میان توسعه اقتصادی و امنیت جهانی در سال ۲۰۰۵ به طرح این ایده پرداخته است که توسعه اقتصاد جهانی، به کاهش چشمگیر احتمال بروز منازعات نظامی میان کشورها می‌انجامد. پتریک مک دونالد^۲ در مقاله‌ای با عنوان «صلح از طریق تجارت یا تجارت آزاد؟» می‌نویسد: «بحث بر سر نقش تجارت بین‌الملل در تغییر سیاست خارجی کشورها و به طور خاص تصمیمات آنها در مورد جنگ، جایگاه مسلط خود را در رشته‌های روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل باز یافته است». در توضیح منطقی این نتایج تجربی می‌توان به تأثیر تجارت بر افزایش ارتباطات و پیوندهای فراملی اشاره کرد. (واعظی، محمود؛ ۱۳۸۸).

کارشناسان امنیتی آمریکا نیز گزارش دادند که رکود اقتصادی منجر به ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در برخی نقاط استراتژیک دنیا شده است و هشدار داده اند که یک رکود طولانی در بلند مدت می‌تواند منافع امنیتی ایالات متحده آمریکا و غرب را تضعیف کند. بلر^۳ (رئیس سابق سیا) نیز در ۱۲ فوریه سال ۲۰۰۹ در کمیته اطلاعات سنا که به منظور دغدغه‌های امنیتی رکود اقتصادی برگزار شده بود هشدار داد که «در صورتی که بحران‌های اقتصادی برای یک تا دو سال دیگر افزایش یابد به بی‌ثباتی سیاسی دولت‌هایی که متحد واشنگتن می‌باشند منجر خواهد شد.» (کارملی. ب و کارون. ت. ۲۰۰۹).

شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی

شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی در جهان به طور عمده در دو شکل رخ می‌دهد:
الف) بحران اقتصادی شرق آسیا

۱- Horst Teltschik

۲- Patrick Mc Donald

۳- Blair, Dennis

۴- Crumly. B & Karon. T (2009).

بروز بحران اقتصادی در شرق آسیا در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌تواند درک و شناخت ما را از بحران مالی بین‌المللی ۲۰۰۸ بیشتر کند. ستون پایه رشد اقتصادی کشورهای شرق آسیا جذب سرمایه‌های خارجی و گسترش صادرات به سایر نقاط جهان بود. این روند، جذب سرمایه‌های خارجی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و خرید اوراق بهادار را به همراه داشت. رونق اقتصادی در آمریکا و اروپا و پیش‌بینی کاهش سود دهی سهام در دست سرمایه‌گذاران در بازار شرق آسیا، آنها را به خروج سرمایه‌های خود از این منطقه اغوا کرد که این خود علت اصلی بروز بحران شد. کشورهای که از بدهی بیشتر برخوردار بودند مانند کشورهای تایلند و اندونزی از شدت بحران، آسیب‌های بیشتری دیدند و حتی در پی بروز بحران، بخشی از کشور خود را از دست دادند (اندونزی). یکی دیگر از علل بروز بحران در این منطقه، سرمایه‌گذاری کلان در فعالیت‌های غیر تولیدی و غیر صادراتی نظیر املاک، مستغلات و سفته بازی بود. بدین ترتیب آهنگ رشد اقتصادی در کشورهای این منطقه کندتر شد. صندوق بین‌المللی پول گزارش داد که بروز بحران مالی در شرق آسیا، آهنگ کند رشد اقتصادی به شرح ذیل را به همراه داشته است:

- رشد اقتصادی کره جنوبی در سال ۱۹۸۸ از ۳/۵ درصد به ۲/۵ درصد.

- رشد اقتصادی اندونزی در سال ۱۹۹۸ از ۴/۲ درصد به ۲ درصد.

- رشد اقتصادی تایلند در سال ۱۹۹۸ صفر شد.

کسری تراز حساب جاری کشورهای آسیایی در سال ۱۹۹۸ افزایش پیدا کرد و صندوق بین‌المللی پول این افزایش را در سال ۱۹۹۸، ۲۹ درصد و تا سطح ۲۳۰ میلیارد دلار برآورد کرد. برخی صاحب نظران امور امنیت و اقتصاد از جمله مایلز کالر نقش نهادهای پولی و مالی بین‌المللی در مهار بحران مذکور در شرق آسیا را جدی می‌دانست و در مقاله‌ای نیز خاطر نشان ساخت که بحران بعدی مالی و پولی بین‌المللی (منظور پس از بحران مالی شرق آسیا)، تأثیرات عمیقی بر اقتصاد بازار آزاد، اقتصادهای تک محصولی و مهم تر از همه بر تکنولوژی پیشرفته آمریکا با توجه به آسیب پذیری امنیتی و اقتصادی آن کشور در پی واقعه ۱۱ سپتامبر و جنگ‌های ۲۰۰۲ افغانستان و ۲۰۰۳ عراق خواهد داشت (عادلی، محمد حسین؛ ۱۳۸۷ه.ق).

ب) بحران اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در آمریکا

شکل‌گیری بحران مالی در آمریکا دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی دارد. در اوایل هزاره جدید، نشانه‌های جدی از رکود در اقتصاد آمریکا پدیدار شد و بورس این کشور به شدت سقوط

نمود مسؤلان اقتصادی در آن زمان جهت جلوگیری از وقوع بحران اقتصادی، با کاهش نرخ بهره و افزایش اعتبارات عامه مردم، تقاضای بسیار بالایی را در بخش مسکن ایجاد نمودند. ترکیب سیاست‌های انبساطی در آمریکا در آن زمان کارآمد بود و باعث افزایش تقاضا در بازار مسکن و به تبع آن جلوگیری از رکود اقتصادی گردید. اهمیت این موضوع در آن است که اکثر مردم آمریکا خرید خانه را به کمک وام انجام می‌دهند که ارزش این وام تا ۹۵ درصد ارزش کل خانه نیز می‌رسید این تحول، افزایش تقاضا برای مسکن را ایجاد کرد چون در شرایط افزایش قیمت مسکن به هر حال خریدار حتی در صورت مواجه شدن با مشکل بازپرداخت اقساط، خانه خود را با قیمتی بالاتر از قیمت خرید می‌فروخت و بدهی بانک را پرداخت می‌کرد براین اساس، بانک‌های آمریکایی از سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ شرایط اعطای وام مسکن را تسهیل کردند و بسیاری از دلالتان مسکن نیز در این بخش فعال و به تدریج با رونق بخش مسکن، عرضه‌ی مسکن نیز از تقاضا پیشی گرفت علاوه بر این بسیاری از افراد بدون اعتبار و پشتوانه کافی اقدام به خرید مسکن در حدی فراتر از توانایی بازپرداخت خود کردند و یک تقاضای همزمان و فشرده طلبکاران مشکلات بانکی را به سایر بانک‌ها منتقل کرد و به سرعت سراسر بازار سرمایه را در بر گرفت؛ و با توجه به اینکه بخش مسکن و صنعت ساختمان ۱۵ درصد اقتصاد آمریکا را شکل می‌دهد، بحران در این بخش اقتصاد آن کشور را متأثر ساخت (بلورفروشان، محسن؛ ۱۳۸۷).

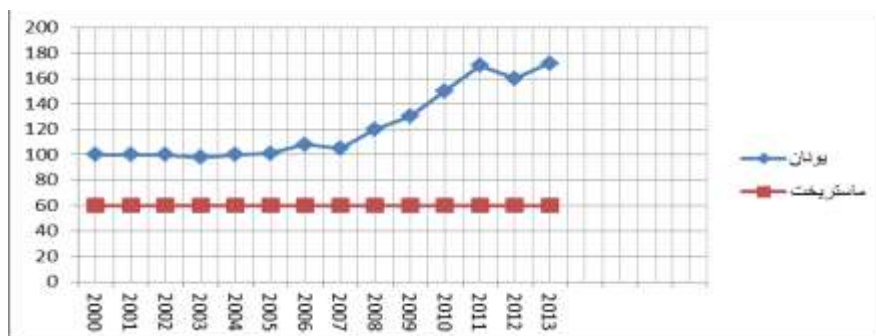
ج) بحران اقتصادی یونان

یونان به دنبال بحران بدهی‌ها که از سال ۲۰۱۰ عملاً گریبانگیر آن کشور شد، دوران دشواری را پشت سر گذاشت. سیاست‌های ریاضتی که پس از اعطای بسته کمک‌های مالی در پیش گرفته شد، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی وخیمی برای مردم یونان در پی داشت و سبب افزایش نرخ بیکاری و گسترش فقر گردید. در انتخابات ژانویه ۲۰۱۵ حزب چپ‌گرای سیریزا به رهبری آلکسیس سیراس به دنبال ناامیدی مردم از عملکرد احزاب عمده این کشور مانند حزب سوسیالیست (پاسوک) و حزب دموکراسی نوین، به پیروزی رسید. این حزب اعلام کرده بود که با برنامه‌های ریاضتی مخالف است و ضمن اینکه خواستار بخشودگی وام‌های جاری این کشور شد (ایزدی، پیروز؛ ۱۳۹۴).

دولت یونان تحت فشار بانک مرکزی اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به ادامه سیاست ریاضت اقتصادی برای برون رفت از بحران مالی، تشویق می‌شود، اما ادامه‌ی سیاست مذکور نه تنها باعث بهبود وضعیت اقتصادی این کشور نشد، بلکه هر روز بر مشکلاتش افزوده

گردید تا جایی که شمار زیادی از مردم این کشور قادر به تأمین مواد غذایی روزانه ی خود نبودند و برای رفع نیازهای اولیه به سازمان‌های مردم نهاد، روی آورده اند و حتی شمار افرادی بی خانمان در این کشور حدود ۲۵ درصد افزایش یافته و شمار خودکشی‌ها که بسیار نادر و ناشناخته بود، امروزه به طور بی سابقه‌ای رو به گسترش نهاده است. شمار زیادی از خانواده‌ها از روشنایی برق محروم اند و عده زیادی نیز بعلت نداشتن پول کافی برای خرید سوخت، به سوزاندن چوب و هیزم روی آورده‌اند (سمیعی اصفهانی، علیرضا و نیری، هومن، ۱۳۹۴).

موقعیت فعلی این کشور ناشی از سیاست‌های غلط طی ۲۵ الی ۳۰ سال گذشته است. این وضعیت ارتباط نزدیکی با بی کفایتی و بی نظمی‌های مالی دولت، بازنشستگی ناپایدار، قدرت رقابتی پایین، شیوه‌های پوپولیستی احزاب سیاسی و مشکلات سازمانی و سیاسی در اروپا دارد. در پیش از بحران، میزان بدهی‌های یونان در تولید ناخالص داخلی یکی از بالاترین‌ها در اروپا است. این نرخ بویژه پس از سال ۲۰۰۰ روند صعودی داشت و در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۱۶۰ درصد رسید، نرخی که حتی بیشتر از ملاک ماستریخت (۶۰ درصد از تولید ناخالص داخل) بود. نرخ کسری بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی در یونان همواره بالاتر از میانگین منطقه اروپا از زمان ورود یونان بوده است (از تورک. اس و سوزد میر. آ، ۲۰۱۵).



نمودار بدهی خالص کلی یونان بر حسب تولید ناخالص داخلی

در کل برخی از دلایل ریشه‌های بحران بر اساس اعلام سیستم بانکی یونان عبارتند از:

- ۱- ادامه بحران از ۳۶ سال قبل
- ۲- بدهی عمومی بالا و رو به افزایش
- ۳- عدم وجود تلاش نظامدار برای کنترل هزینه‌ها و جلوگیری از فرار مالیاتی

به طور خلاصه شاخص‌های اقتصاد کلان یونان طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ به شرح جدول ذیل می‌باشد:

شاخصهای اقتصادی کلان نرخ متوسط (سالانه)

	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۱۲
رشد تولید ناخالص واقعی	۴/۵	۲
رشد سرمایه‌گذاری ثابت	۶/۹	-۱/۹
تورم (CPI)	۳/۳	۳
کسری بودجه عمومی دولت (به درصد تولید ناخالص داخلی)	-۵/۲	-۸/۳
کسری بودجه اولیه یا مازاد به درصد تولید ناخالص داخلی)	۰/۶	-۲/۹
مجموع مخارج دولت به درصد تولید ناخالص داخلی)	۴۵/۵	۴۷/۵
مجموع درآمد عمومی دولت به درصد تولید ناخالص داخلی)	۴۰/۳	۳۹/۱
بدهی کلی دولت به درصد تولید ناخالص داخلی)	۱۰۱	۱۰۹/۷
کسری حساب جاری به درصد تولید ناخالص داخلی)	-۶/۸	-۱۱/۹

چگونگی اشاعه بحران‌های اقتصادی

وقوع ریسک در گردش پولی و مالی جهان با کسری تراز پرداخت‌ها همراه است در نتیجه، روند تسویه پرداخت‌های بین‌المللی دچار رکود می‌شود. امروزه مقررات پولی بین‌المللی جریان تسویه‌های بین‌المللی را اکثراً با نرخ دلار تعیین می‌کند لذا شبکه‌ای شدن جهان معاصر، موجب اشاعه بحران نظام پولی مالی به طرف‌های جهانی می‌شود، بازارهای مالی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: الف) بازارهای پولی که در برگیرنده بازار بین بانکی است ب) بازارهای مالی، سرمایه و سهام که شرکت‌های مختلف و متعددی را شامل می‌شوند.

در بازارهای پولی آنچه که برای بانک‌ها و موسسات پولی ایجاد درآمد می‌کند، وام دادن است ولی در بازارهای مالی سرمایه و سهام این درآمد با افزایش قیمت سهام و سفته بازی روی سهام ایجاد می‌شود. از جمله بازارهایی که به هر دو عرصه تعلق دارند بازارهای رهنی یا بازارهای

اعطای وام مسکن و رهنی است، در واقع، مؤسسات مالی به خریداران مسکن در ازای وثیقه وام می‌پردازند و بی آن درآمد ایجاد می‌کنند.

بحران مالی و پولی بین‌المللی از عوامل گوناگونی از جمله فقدان ساز و کار مقررات تفصیلی ناظر بر اعطای وام به ویژه وام به افراد فاقد توان پرداخت گرفته تا ابزارها و مشتقات مالی نو پدید و نیز عدم توجه و نظارت کافی صندوق بین‌المللی پول در زمینه تحولات پولی و مالی در آمریکا و غیره برای رهاندن آنها از ورشکستگی حاکی از ورود دولت‌ها به عرصه اداره و امور شرکت‌ها است، بنابراین رشد جهانی در مواجهه با یکی از مهمترین بحران‌های مالی و پولی بین‌المللی در حال از دست دادن سرعت متعادل خود است. این کاهش رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته به ویژه آمریکا که بحران بازار مسکن در سال‌های اخیر فشارهای مالی زیادی را متحمل نمود، بیشتر است. براساس چشم انداز صندوق بین‌المللی پول از اقتصاد جهان، رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ به ۳/۷ درصد کاهش یافت طی دو دهه پایانی قرن بیستم رشد قابل توجه سهام شرکت‌ها و دارایی‌ها باعث برخی نگرانی‌ها گردید. با نگاهی به جدول ذیل می‌توان به رشد فزاینده دارایی‌های مالی جهان در دو دهه اخیر پی برد.

ارقام به تریلیون دلار است

سرفصل	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۲	رشد سالانه
سهام شرکت‌ها	۳	۹	۳۲	۵۴	۱۰/۴٪
اوراق قرضه خصوصی	۲	۱۰	۲۲	۴۳	۱۰/۷٪
سپرده‌های بانکی	۵	۱۶	۲۶	۴۵	۷/۸٪
سهام کل دنیا	۱۲	۴۳	۹۴	۱۶۷	۹/۱٪
تولید ناخالص داخلی جهان (به همراه آمریکا)	۱۰	۲۲	۳۲	۴۸	۵/۷٪
میزان رشد دارایی‌های مالی	۱۰۱	۲۰۱	۲۰۹	۳۰۵	-

					جهان
--	--	--	--	--	------

لذا مشاهده می‌شود رشد فزاینده درآمدهای سهام شرکت‌ها، اوراق قرضه دولتی و خصوصی، سپرده‌های بانکی و تولید ناخالص داخلی دنیا که خود باعث رشد خیره‌کننده دارایی‌های مالی دنیا شد از ۱۰۱ تریلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳۰۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۶ رسیده است بنابراین روشن است که این نقدینگی مالی زیاد، ابتدا در جامعه آمریکا و سپس در سایر نقاط دنیا به صورت‌های گوناگون موجب بروز بحران گردیده است (صبوری، حسین؛ ۱۳۸۷).

اقدامات اضطراری و ضروری منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها برای مقابله با بحران اقتصادی

الف) اقدامات اضطراری بین‌المللی دولت‌ها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی

دولت‌ها برای حفاظت از نظام مالی اقتصادی خود در برابر آفات و آسیب‌های ناشی از بروز بحران اقتصادی اقدامات گوناگونی انجام داده‌اند ولی این تلاش جامعه بین‌المللی از طریق همکاری‌های بین‌المللی، برای جلوگیری از این پدیده زیان‌بار جهانی تاکنون موفق نبوده و به ناچار برای مقابله و جلوگیری از سرایت آن از بخش‌های مختلف بحران زده به دیگر بخش‌های اقتصادی به اقدامات اضطراری ملی و بین‌المللی روی آورده‌اند که اجرای اقدامات مذکور زمینه تداخل میان تصمیمات داخلی دولت‌ها در مقابله با بحران اقتصادی جهانی و تعهدات بین‌المللی ایشان را فراهم آورده است (جلالی، محمود؛ ۱۳۸۳).

در یک نگاه کلی اقدامات اضطراری دولت‌ها برای مقابله با بحران اقتصادی به سه دسته تقسیم می‌شوند که ذیلاً به بررسی این اقدامات پرداخته می‌شود (همان، ۱۶۰).

۲- اقدامات تثبیت‌کننده نظام مالی اقتصاد داخلی

اقداماتی که دولت‌ها برای تثبیت نظام مالی اقتصاد داخلی انجام می‌دهند در راستای اعتماد سازی در بازار و صنایع بانکی و استمرار تامین وجه توسط بانک‌ها است. تامین نقدینگی، اصلاح نظام اقتصادی به سوی خصوصی سازی یا تقویت بخش دولتی، خرید دارایی‌های بانکی با هدف جلوگیری از سقوط ارزش اقتصادی، افزایش نقدینگی بانکی، اعطای وام بین بانکی و تضمین دولتی سپرده‌گذاری، نمونه‌هایی از این اقدامات به شمار می‌رود. در اجرای این اقدامات، اعمال تبعیض بسیار محتمل است مثلاً در اکتبر سال ۲۰۰۸، دولت استرالیا متعاقب بحران اقتصادی جهانی، اعطای وام‌های درخور توجه و تضمین سپرده‌ای را به نفع صنعت بیمه داخلی خود آغاز نمود. اقدامات مذکور فقط به شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و موسسات اعتباری استرالیایی و شرکت‌های تابعه استرالیایی بانک‌های خارجی تعلق می‌گرفت در حالی که شعبات بانک‌های خارجی مانند

"سی تی بانک"، "کردیت سوئیس" و "یو بی اس" از حمایت‌های مذکور مستثنی شده بودند. این امر باعث انتقال سرمایه از بانک‌های خارجی به بانک‌های داخلی استرالیا شد و خسارات قابل توجهی به بانک‌های خارجی فعال در استرالیا وارد ساخت (جلالی، محمود؛ ۱۳۸۳).

ب) اقدامات ضروری منطقه‌ای دولت‌ها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی

در حال حاضر هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا نماید که از اثرات اقتصادی جهانی مصون مانده است. کشورهای جهان متناسب با میزان وابستگی و همکاری خود با کشورهای بحران خیز مانند آمریکا و کشورهای اروپایی، تاثیرپذیری متفاوتی از بحران اخیر داشته‌اند. در شرایط کنونی تنها اقدامات بین‌المللی جهت رفع بحران مؤثر نخواهد بود چرا که ما همواره شاهد تکرار این معضل جهانی هستیم. کشورهای جهان برای مقابله با بحران مالی سعی نموده‌اند علاوه بر ارائه راهکارهای بین‌المللی، همکاری خود در قالب سازمان‌های منطقه‌ای نظیر شانگ‌های، اتحادیه اروپا، کشورهای مشترک المنافع، اقتصادهای نوظهور صنعتی آسیا، گروه هفت، همکاری آسیا اروپا (آسیم)^۱، شورای همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس،^۲ آسه آن^۳ و "آپک"^۴ را جهت یافتن راه‌های جدید، توسعه دهند؛ بنابراین توسعه همکاری‌ها در قالب سازمان‌های منطقه‌ای همواره به عنوان رهیافتی جهت خروج از بحران‌های بین‌المللی، مورد توجه بوده است و برخی از این سازمان‌های منطقه‌ای جهت افزایش توانایی خود برای مقابله با بحران‌ها، ارائه راهکارهای ذیل را ضروری دانسته‌اند:

۱- تأسیس صندوق مبارزه با بحران

پیدایش صندوق بین‌المللی پول، ابتدا موجب دلگرمی بسیاری از کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته شد؛ اما دیری نگذشت که همگی از ناکارآمد بودن آن در حل تمامی مشکلات مالی جهان به دلیل تحمیل شرایط حامیان، آگاهی یافتند؛ زیرا موسسان اصلی صندوق مذکور که آمریکا در راس آنان قرار دارد، مقررات آن را به گونه‌ای تنظیم کردند که بیشتر تامین‌کننده منافع آنان باشد. به همین دلیل، در برخی مواقع، کشورهای دریافت‌کننده وام، مجبور شدند زیر بار اصلاحات ساختاری فشرده بروند که گاهی اوقات، عملاً نتیجه معکوس

۱- ASEM

۲- ASEAN (Association of Southeast Asia Nation)

۳- OPEC (Organization of the Petroleum Exporting Countries)

داشته است، اما تاسیس صندوق مقابله با بحران در سطح منطقه‌ای با مقررات مخصوص خود که مناسب تمامی کشورهای عضو همان تشکیلات منطقه‌ای باشد، می‌تواند کارآیی بیشتر و موثرتری داشته باشد؛ بنابراین تاسیس چنین صندوقی باید به‌عنوان یک ضرورت جهت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، در دستور کار قرار گیرد (علیپور، محمدرضا ناندل؛ ۱۳۸۷).

۲- تسهیل تجارت درون منطقه‌ای

ایجاد شرایط لازم برای توسعه تجارت درون منطقه‌ای، می‌تواند رکود موجود را کاهش داده و رونق لازم را به بازارهای بین‌المللی بازگرداند. در واقع کاهش تقاضای جهانی، موجب افت صادرات خواهد شد. در نتیجه صنایع به سمت کاهش تولید پیش رفته و بیکاری افزایش خواهد یافت. آنچه مسلم است در نظر گرفتن گسترش دامنه ترجیحات تجاری، رونق بیشتری ایجاد و گردش بازار سرمایه را روان تر می‌کند (همان. ص ۱۰).

۳- تأسیس و تقویت شرکت‌های بیمه منطقه‌ای

تضمین اصل سرمایه و دارایی، یکی از راه‌های کاهش خطرپذیری در اقتصاد جهان می‌باشد. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند یک سیستم بیمه‌ای کامل هستند تا تجار با اطمینان بیشتری به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند. تاسیس شرکت‌های بیمه منطقه‌ای و ایجاد خدمات (پوشش) بیمه‌ای برای مقابله با بحران، این امکان را فراهم می‌سازد تا در مواقع بحرانی، زیان‌های وارده به حداقل برسد (علیپور، محمدرضا؛ ۱۳۸۷).

۴- تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری مشترک

همانطور که اشاره شد، زیرساخت اقتصادی قوی و بالابودن تولید ناخالص داخلی، عاملی مهم برای رهایی از بحران می‌باشد. سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه‌های مستعد در هر کشور، قطعاً به رشد اقتصادی کمک می‌کند. صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یک گزینه مناسب برای تجمیع سرمایه‌های سرگردان جهت پیشبرد طرح‌های بزرگ و تقویت زیرساخت اقتصادی مناطق مختلف جهان است.

۵- تعیین پول واحد

تجربه برخی از سازمان‌های بین‌المللی همچون اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ایجاد پول واحد اروپایی و استفاده از آن در تجارت درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای از دو جنبه قابل تأمل است. اول اینکه با توجه به تنوع وضعیت اقتصادی کشورهای عضو، قدرت اقتصادی کشورهای توانمند

باعث تقویت پول واحد خواهد شد، دوم اینکه نوسانات این ارز به دلیل داشتن پشتوانه قوی، کم تر می شود (همان، ص ۱۰).

۶- بهره‌گیری از کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی

با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های تابعه آن، نظیر «آنکتاد» و «یونیدو»، کمک‌های خود را ترجیحاً در قالب طرح‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهند، هر سازمان منطقه‌ای می‌تواند با هماهنگی مناسب، کمک‌های بیشتری را به خود اختصاص دهد (علیپور، محمدرضا؛ ۱۳۸۷). در سال ۱۹۶۴، سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه، با تاسیس «تشکیلات همکاری عمران منطقه‌ای» بنیان یک همکاری منطقه‌ای را پایه‌ریزی کردند ولی بعد از وقفه چند ساله در فعالیت‌های تشکیلات اقتصادی مذکور، سه کشور با هدف توسعه روابط و بسط همکاری‌ها در سال ۱۹۸۴ با تاسیس سازمان همکاری اقتصادی (اگو) موافقت کردند. منطقه اگو به واسطه واقع شدن در منطقه جغرافیایی ویژه و با اهمیت، سال‌ها به عنوان پل ارتباطی «شرق و غرب» و «شمال و جنوب» مطرح بوده است.

حقوق سرمایه‌گذاران بر مبنای حقوق بین‌الملل در شرایط بحرانی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور کسب منفعت دایمی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی آن کسب حق رأی موثر در فعالیتهای یک شرکت می‌باشد. به عبارتی دیگر سرمایه‌گذاری به صورت سهام، سرمایه‌گذاری مجدد در آمدها و اوراق قرضه میان یک شرکت مادر و شرکت‌های تابع یا وابسته می‌باشد که به طور کلی به آن اشاره می‌گردد.

الف) هدف از جذب سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از چرخه‌های اقتصاد جهانی به شمار می‌رود که سرمایه‌گذاران به شکل مستقل یا مشارکت در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد اولیه و سایر مراحل فعالیت اقتصادی در کشور میزبان حضور می‌یابند. در این مسیر تکنولوژی پیشرفته و آخرین سیستم‌های مدیریتی به همراه سرمایه برای حداکثر ساختن سود به کشور میزبان وارد می‌شود. سرمایه‌گذاری

۱- UNCTAD

۲- UNIDO

خارجی به دو دلیل، یکی فقدان منابع مالی داخلی و دیگری عدم کارآمدی این منابع در کشورهای در حال توسعه جذب می‌شود.

ب) نگاهی به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

اقتصاد ایران به دلیل چندین سال درگیری در تحریم‌های اقتصادی، امکان استفاده مناسب از ابزار اعتبارات بین‌المللی را در اختیار ندارد اما به هر حال ایران می‌تواند در کنار راه حل‌های داخلی که برای عبور از پیامدهای بحران مالی جهانی برمی‌گزیند به صدور گواهی سپرده ارزی مدت دار و یا انتشار اوراق قرضه ارزی بین‌المللی به منظور تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود اقدام نماید (تقوی، مهدی؛ ۱۳۹۰). اکنون اقتصاد ایران علاوه بر منابع ارزی خارجی به فناوری و دانش روز دنیا نیز برای بهره‌گیری در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی خود نیاز مبرم دارد (حسینی مقدم، سید روح ا...؛ ۱۳۸۵).

ج) تدابیر حقوقی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه گستره و افزایش دامنه هرگونه حرفه و حرف، فعالیت تجاری و اقتصادی اعم از ملی و بین‌المللی سبب گشته، چارچوب حقوقی معقول و مناسبی که تضمین‌کننده ساختار، عملکرد، آثار یا فعالیت در آن زمینه باشد، در ایران نیز پس از مباحث فراوان در خصوص قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، این قانون در سال ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (آذری، مصطفی؛ ۱۳۸۷).

د) ورود سرمایه و استقرار مالکیت

در ماده ۵ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی ایران، «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران» ۱ تنها نهاد رسمی تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و درخواست‌های سرمایه‌گذاران در خصوص امور ذیربط از جمله پذیرش، ورود، بکارگیری و خروج سرمایه می‌باید به آن سازمان تسلیم گردد که پس از تقدیم درخواست، سازمان مکلف است

۱- سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در تیرماه سال ۱۳۵۴ و به منظور هدایت و انجام مجموعه‌ای از وظایف، که پیشتر توسط دستگاه‌های مختلف اجرائی به انجام می‌رسید، تأسیس گردید. مجموعه وظایف محوله به سازمان نوعاً به امور بین‌المللی و روابط خارجی کشور مربوط می‌گردند.

حداکثر ظرف ۱۵ روز درخواست را همراه با نظریه خویش در هیأت مذکور ۱ در ماده ۶ مطرح نماید (حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۷)).

همچنین ماده ۱۱ قانون، متضمن مقرراتی در باب نحوه ورود سرمایه و نحوه پوشش آن و ماده ۱ قانون و مواد ۱، ۷، ۸، ۹، ۱۰ نیز در مورد بخشی از موازین ناظر به نحوه ارزیابی سرمایه‌های خارجی و نحوه ورود سرمایه و تشریفات آن به کشور پیش‌بینی گردیده است (آذری، مصطفی (۱۳۸۷)).

امروزه جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی از شاخص‌های مهم فرآیند جهانی شدن اقتصاد است. جدای از اهمیت این پدیده، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که از فقدان منابع مالی داخلی رنج می‌برند، بهره‌گیری از منابع خارجی را برای تداوم برنامه‌های توسعه اقتصادی خود ضروری می‌بینند. این منابع به دو شکل سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌شود که در نوع غیرمستقیم یعنی سرمایه‌گذاری براساس استقراض، گرفتن وام، خرید اوراق قرضه و سایر مطالبات بلندمدت از دولت‌ها، نهادهای مالی بین‌المللی و غیره صورت می‌گیرد (غنی‌زاده، موسی و نواب، مهدی؛ ۱۳۸۰)..

نتیجه‌گیری

بحران اقتصادی در یک جامعه ی مفروض، پدیده‌ای است که نظم اقتصادی آن جامعه را بر هم می‌زند، چون نظم اقتصادی به هم بخورد، نظم و امنیت اجتماعی و سیاسی را متأثر می‌شود. درجه تأثیر به شدت بحران بستگی دارد که در صورت شدت می‌تواند انقلاب یا کودتا را به همراه داشته باشد که هر یک از این وقایع به تنهایی می‌تواند صلح و امنیت ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را به مخاطره اندازد. بحران اقتصادی که در سال ۲۰۰۸ ایجاد شد از آمریکا آغاز و به اقصی نقاط جهان گسترش یافت. این پدیده جهانی فقط کشورها، شرکت‌های ملی و فراملی را هدف قرار نداد بلکه اشخاص خصوصی را نیز متأثر نمود تا جایی که خانواده‌هایی به علت از دست دادن شغل دست به خودکشی دسته جمعی زدند. در این شرایط نظم حقوق بین‌الملل است که می‌تواند نظم سیاسی و اقتصادی را سامان بخشد و مهمترین نقش را در بحران‌های اقتصادی داشته باشد، البته نمی‌توان نقش مؤثر و بالایی سازمان ملل را در ارتباط با این موضوع نادیده گرفت.

۱- شامل: شورای عالی سازمان، هیئت فنی، رئیس کل.

شورای امنیت می‌تواند به عنوان مسؤول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بحران‌های اقتصادی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده و تصمیمات مقتضی بعمل آورد. در اینجا دولت تهدید کننده‌ای به ظاهر وجود ندارد بلکه نفس بحران تهدید کننده است. شاید ورود شورای امنیت در این مقولات موجب تحول مفهومی در مقوله صلح و امنیت شود (شایگان، فریده؛ ۱۳۸۰).

علل بحران‌های اقتصاد جهانی هر چه باشد، آن بحران می‌تواند تمام جنبه‌های زیست اجتماعی را متاثر کند، لذا جامعه بین‌المللی بخصوص دولت‌ها برای تقابل باید، ضمن تعامل، همکاری، هماهنگی و همبستگی با یکدیگر و استفاده از ابزارها و نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و غیره می‌بایست حداکثر تلاش خود را در این زمینه بکار گیرند، هر چند تاکنون تلاش‌ها و راه کارهایی در این زمینه صورت گرفته است لیکن با توجه به افزایش دامنه تحولات جهانی و شبکه‌ای شدن جهان معاصر که همواره می‌تواند شرایط را برای بحران‌های اقتصادی فراهم نموده تا بر موسسات مالی و اعتباری به عنوان زیر شاخه‌ای از اقتصاد جهانی تاثیر گذار باشد، به نظر می‌رسد این تلاش‌ها کافی نبوده و باید تغییرات و اصلاحاتی در این نهادها با امان به علوم روز صورت گیرد، به عنوان مثال صندوق بین‌المللی پول که بهترین نهاد برای مقابله عملی با بحران‌های اقتصادی می‌باشد همگام با این تحولات گام بر نداشته است و ساختار کنونی آن نمی‌تواند جوابگوی نیازهای فعلی جامعه جهانی باشد بنابراین نیاز به تغییر و اصلاح ساختار آن ضروری است تا بتواند بیشتر نقش پیشگیری را بازی کند تا درمان.

نظام‌های پولی و مالی بین‌المللی نیز به عنوان شاخه‌ای از نظام اقتصادی می‌توانند نقش موثری در صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشند. در دهه‌های اخیر پیچیدگی نظام اقتصاد جهانی و درهم تیدگی نظام‌های مالی و پولی بعنوان یکی از نمادهای اصلی جهانی شدن اقتصاد، بیشتر شده است. لذا بحران‌های مالی می‌تواند به سرعت به بحران اقتصادی تبدیل شده و امواج آن دیگر لایه‌های اقتصادی چون تجارت، مالیه، سرمایه‌گذاری، بورس، بانکداری و بازار کالا و خدمات را تحت سیطره خود قرار دهند، به بیان دیگر بحران نظام پولی و مالی بین‌المللی با صلح و امنیت بشری گره خورده است به طوری که « برنامه توسعه سازمان ملل » امنیت بشری را با زنجیره‌ای از امنیت شامل امنیت اقتصادی و مالی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی همراه می‌داند، بنابراین این می‌توان گفت که ثبات نظام پولی و مالی بین‌المللی با امنیت، صلح و توسعه مرتبط است و به خطر افتادن آن در حوزه‌های مزبور، گسترش

گرسنگی، فقر، بیماری و تمایل خیل عظیم آسیب دیدگان به خشونت برای تصاحب بیشتر منابع را به همراه خواهد داشت (واعظی، محمود؛ ۱۳۸۸).

از دیگر عوامل اقتصادی که می‌تواند زمینه بروز و شدت بحران‌ها را افزایش دهد رونق و رکود اقتصادی است، رونق و رکود اقتصادی که جزء جدایی‌ناپذیر نظام سرمایه‌داری است همواره در طول تاریخ به طرق مختلف بروز و ظهور نموده و توانسته در شرایطی به یک بحران فراگیر تبدیل شود، به عنوان مثال در بحران سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ عملکرد ضعیف اقتصاد آمریکا در بازار مسکن و بازارهای مالی، اقتصاد جهان را در معرض رکود گسترده‌ای قرار داد (عادلی، محمد حسین؛ ۱۳۸۷).

درخصوص تأثیر این بحران بر اقتصاد ایران، چنانچه ما اقتصاد ایران را به عنوان یک اقتصاد باز کوچک یا اقتصاد بسته‌ای که مراودات بین‌المللی در آن کم است در نظر بگیریم با توجه به ضریب وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفت و گاز، این بحران بر اقتصاد ایران تأثیر گذار می‌باشد زیرا حجم انبوهی از کالاهای وارداتی با استفاده از درآمدهای نفتی خریداری می‌شوند و از سوی دیگر تجهیزات، کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید کالاهای صادراتی نیز از محل دلارهای نفتی تأمین می‌شود، در واقع کاهش در آمد نفتی در اقتصاد کشور، فشار به نرخ ارز، پایان دوره واردات آسان و افزایش بهای تمام شده واردات را به بار می‌آورد. این عوامل از یک سو، باعث کاهش واردات و از سوی دیگر باعث تشدید تورم از ناحیه عرضه می‌شوند (رحیمی، غلامعلی؛ ۱۳۸۷). البته امروزه وابستگی شدید اقتصاد ایران به منابع نفتی به عنوان حادثترین مسائل کشور، علاوه بر جنبه اقتصادی، می‌تواند سایر جنبه‌های دیگر از جمله اجتماعی، سیاسی و امنیتی را تحت تأثیر قرار دهد (سیف‌لو، سجاد، اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۳). لذا مردمی شدن اقتصاد یا به تعبیر دیگر اقتصاد مقاومتی می‌تواند به عنوان یک نظام اقتصادی هماهنگ با سایر مقوله‌های سیاسی و امنیتی نقش موثری در مقابله و مقاومت در برابر فشار، تحریم‌ها و تحولات جهانی از جمله بحران‌های اقتصادی ایجاد نماید به تعبیر دیگر اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان صرفاً مقاومت اقتصادی دانست بلکه ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد از دیگر شاخص‌های آن می‌باشد؛ زیرا اجرای اقتصاد مقاومتی و مردمی در ایران می‌تواند علاوه بر ثبات اقتصادی، نقش مؤثری را در دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار مانند امنیت بخصوص در بعد غذایی را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی از جمله بحران‌های اقتصادی ایفاء نماید.

پیشنهادها

امروزه، نقش و تاثیر جهانی شدن بر کلیه بخش‌ها بخصوص بخش اقتصادی باعث شده هرگونه اختلال در هر یک از زیرمجموعه‌های آن به دلیل شبکه‌ای عمل کردن، به بحرانی بزرگ تبدیل شود و با سرایت به آخرین حلقه‌های این چرخه منجر به نارضایتی، کودتا، انقلاب و در نهایت جنگ‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شود و صلح و امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهد. لذا در این مقاله برای تقابل با اثرات مخرب این پدیده جهانی، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- تشکیل صندوقی تحت عنوان بیمه‌ی سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان.
- ۲- ترسیم نقشه‌ای بلندمدت و منضبط در ساختار مالی کشورها بخصوص کشورهای دارای اقتصاد بزرگ.
- ۳- توجه کشورها به نوآوری و خلاقیت به عنوان کلید طلایی گذر از بحران.
- ۴- اختصاص یک درصد از بودجه هر کشور به عنوان حاشیه‌ای امن برای مدیریت کردن بحران‌ها بخصوص بحران‌های اقتصادی.
- ۵- ایجاد زیرساخت‌های سالم حداقل برای کوتاه مدت با هدف گذر از بحران.
- ۶- ایجاد تنوع درآمدی از سوی کشورها برای کاهش اثرات بحران اقتصادی.
- ۷- توجه مسوولین به فرهنگ سازی، آموزش و ترویج اقتصاد مقاومتی در بین آحاد مردم بخصوص فعالان اقتصادی به عنوان یک اهرم کارآمد در تقابل با بحران‌های اقتصادی.

فهرست منابع

- آذری، مصطفی (۱۳۸۷)، بررسی تحولات بحران در اقتصاد آمریکا، تهران: انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲.
- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۱)، امنیت در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امین آبادی، محمد (۱۸ تیر ۱۳۹۴)، اتحادیه اروپا در برزخ، روزنامه کیهان، شماره ۲۱۱۰۳، ص ۸
- ایزدی، پیروز (۱۳۹۴)، یونان در برابر لحظه سرنوشت، سی و چهارمین گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
- ایزی، محسن (۱۳۸۷)، پیدایش و گسترش بحران مالی در جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران، تهران: انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- بلورفروشان، محسن (۱۳۸۷). بحران جهانی و اقتصادی ایران، ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۲۰.
- بلورفروشان، محسن (۱۳۸۷)، بحران جهانی و اقتصاد جهانی، تهران: انتشارات میزان.
- تقوی، مهدی (۱۳۹۰)، رابطه نرخ سود بانکی و تولید در اقتصاد ایران، تهران: انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- جلالی، محمود (۱۳۸۳)، حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران، فصلنامه آموزه‌های فقهی الهیات و حقوق، شماره ۱۳.
- حسن زاده، محمد (۱۳۸۷)، نگاهی به بحران‌های مالی و تأثیر بحران اخیر بر اقتصاد ایران، تهران: نشر موسسه تدبیر اقتصاد.
- حسینی مقدم، سید روح‌ا... (۱۳۸۵)، گزارش علل و پیامدهای بحران مالی جهان و تأثیر آن بر شرکت بورس اوراق بهادار، ماهنامه مرکز مطالعات و پژوهش‌های وزارت بازرگانی، شماره ۶.
- رحیمی، غلامعلی (۱۳۸۷)، تحولات اقتصاد جهان (چشم‌انداز اقتصاد جهانی)، تهران: نشر مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و نیری، هومن (۱۳۹۴)، بحران اقتصاد جهانی و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی شهروندان به کشورهای اتحادیه اروپا، فصلنامه راهبردی جهانی شدن، سال ششم، شماره ۱۶.
- سیف، احمدی (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- سیفیلو، سجاد (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۷، ص ۸۰

شایگان، فریده (۱۳۸۰)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

صبوری، حسین (۱۳۸۷). رکود: پایدار یا ناپایدار عمیق یا در سطح؟. فصلنامه روند اقتصادی، شماره ۴۲.

عادل، محمد حسین (۱۳۸۷)، بحران بحران‌ها، فصلنامه روند اقتصادی، شماره ۴۴،

علمی، محمد (۱۳۸۷)، بحران مالی آمریکا و درسهای ناشی از آن، فصلنامه اندیشکده تجارت (سازمان توسعه تجارت ایران)، شماره ۶.

علیپور، محمدرضا (۵ دی ۱۳۸۷)، ارائه راه کارهای منطقه‌ای کشورها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۶۹۹.

غنی‌زاده، موسی و نواب، مهدی (۱۳۸۰)، چالش‌های سرمایه‌گذاری خارجی، انتشارات معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی.

گلریزی، حسین (۱۳۶۹)، سازمان مالی و پولی بین‌المللی، انتشارات بانک مرکزی.

مؤمنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید (۱۳۹۴). راهکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی سرمایه‌گذاری، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره یک،

محمودی، سید محمد (۱۳۸۲)، نقش سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران، مجله فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره ۴.

میلانی، جمیل (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی و چالشهای تحقق آن، مجله اقتصادی، شماره ۷ و ۸، ص ۱۰.

نوید نیا، منیژه (۱۳۸۴)، چندگانگی امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال اول شماره ۲.

واعظی، محمود (۱۳۸۸)، بحران اقتصادی در جهان، زمینه و ابعاد، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره یک.

Booth.K (1999), Three Tyrannies, in Tim dunne and NichoIas J.wheelr (eds.), Human rights in Global Politics, Cambridge university press.

Constantinescu. M (2011). Defense And Security Effects of The Economic Crisis, Journal of Defense Rresource Management, vol 2. No2.

Crumly.B & Karon.T (2009). Is the Economic Crisis a Security Threat Too? Available at: <http://content.time.com/time/world/article/0,8599,1881492,00.html> (Accessed feb 05, 2016)

Goldstein. J (1992), international relation, London: Longman.

Habibi.T (2016). cultural and social approach to resistance economy, available at: www.ido.ir/en/pages/?id=168 (accessed aug 17, 2016)

Khajehpour, B (2014). Decoding Iran's 'resistance economy', available at: www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/02/decoding-resistance-economy-iran.html (accessed aug 17, 2016)

Lonergan. S, (1999), Environmental Change, Adaptiam and Security, Dordrecht: kluwer Academic.

Lucas.B & Bakrania.sh (2009). The Impact of the Financial Crisis on Conflict and State Fragility in Sub-Saharan Africa. Available at: <http://www.gsdr.org/docs/open/eirs6.pdf> (Accessed feb 01, 2016)

- Mabee, B, Human (2003), Rights and security, International Journal of Human Rights vol.7.No.2,pp.164-178.
- Manessiotis, B (2011). The Root-Causes of The Greek Sovereign Debt Crisis, Available at: [http://www.bankofgreece.gr/BoGDocuments/The%20rootcauses%20of%20the%20greek%20sovereign%20debt%20crisis%2005%2005%202011\(3\).pdf](http://www.bankofgreece.gr/BoGDocuments/The%20rootcauses%20of%20the%20greek%20sovereign%20debt%20crisis%2005%2005%202011(3).pdf) (Accessed feb 11, 2016)
- Ozturk. S & Sozdemir. A (2015). Effects of Global financial crisis on Greece Economy, Available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2212567115004414> (Accessed feb 22, 2016)
- Palme. O, (1982), Common Security:A Blue for Survival,New York: Simon and Schuster,
- Rajan.C.F (1961).united nationls And domestic jurisdiction, Oxford: Oxford university press.

